

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش چهل و ششم

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۴

تعرض عمومی ارتش رهائیبخش ملی البانی و بر هم خوردن نقشه های ارتجاع داخلی و خارجی

۲۶ جون ۱۹۴۴ لشکر یکم از اشکومبینی گذشت و به تعرض پرداخت. دشمن که غافلگیر شده بود نتوانست در برابر این ضربه تاب بیاورد. نیرو های لشکر یکم عملیات خود را با واحد های دفاع از خود تطبیق داده عمیقاً در البانی مرکزی نفوذ کردند و به ادامه پیشروی به سوی دیبر پرداختند. تا نیمه جولای کلیه مناطقی که در فرمان فرماندهی کل ذکر شده بود، آزاد گشت. اهالی البانی مرکزی و منطقه دیبر از لشکر یکم قویاً پشتیبانی کردند و در کنار وی به مبارزه علیه اشغالگران المانی و خیانت پیشگان برخاستند. هزاران تن از جوانان داوطلب مناطقی که تازه آزاد شده بود به گردان های لشکر یکم ضربه پیوستند و آن را تقویت کردند. قسمت های کوچک پارتیزانی که در مناطق تحت نظارت دشمن در البانی مرکزی و شمالی مشغول عمل بودند بیدرنگ به صورت گردان هائی درآمدند و کمی بعد لشکر های ارتش رهائیبخش ملی البانی را تشکیل دادند.

تعرض لشکر یکم برای اشغالگران و خیانت پیشگان به قدری دور از انتظار بود که در آغاز پنداشتند سر و کار شان با «بقایای» نیرو های پارتیزانی است که در جنوب شکست خورده و برای نجات خویش به این مناطق روی آورده اند. ولی به زودی به واقعیت پی بردند و سراسیمگی و شتابزدگی بسیار سپاهیان جنوب را به سوی شمال حرکت دادند تا لشکر یکم ضربه را از پای در آورند.

در جولای و اگست ۱۹۴۴ دشمن پشت سر هم دو بار به عملیات به ضد لشکر یکم دست زد که هر دو با شکست کامل روبه رو شد. جنگجویان ارتش رهائیبخش ملی، نیرو های هیتلری و ارتجاعیون را شکست داده تمامی منطقه دیبر را با شهر های پشکویی دیبر و بخشی از میردیتا به طور قطع آزاد کردند.

گسترش پیروزمندانه تعرض لشکر یکم ارتش رهائیبخش البانی در اثر فشار های فرماندهی نیرو های انگلیس و امریکائی در مدیترانه نیز قطع نشد. فرماندهی مذکور چندین بار با لحن تهدید آمیز طلب کرد که عملیات جنگی به ضد نیرو های عباس کوپی خائن متوقف گردد. فرماندهی عالی ارتش رهائیبخش ملی، مطالبه و ارباب متفقین انگلیس و

امریکائی را رد کرد و بدون تأخیر به اجرای وظیفه ای پرداخت که کمیته مرکزی حزب و **کنگره پرمِت** در برابر وی نهاده بود.

در ماه اگست لشکر دوم ضربه تشکیل شد و فوراً در انطباق با لشکر یکم در البانی شمالی به تعرض علیه سپاهیان اشغالگر المان و دار و دسته های خائن دست زد. این دو لشکر و مجموعه نیرو های پارٹیزانی ستاد های منطقه ئی البانی مرکزی و شمالی، به استثنای هنگ پزا، در جزو سپاه اول ارتش آزادیبخش البانی در آمدند. کمیته مرکزی حزب، رفیق **حسنی کاپو**، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی را به مقام کمیساریای سیاسی سپاه یکم منصوب کرد.

در این اثناء سایر واحد های ارتش رهائیبخش ملی البانی در البانی جنوبی نیز به تعرض عمومی پرداخته بودند. در اثر اقدامی که **کنگره پرمِت** به عمل آورد در ماه اگست هیأت نظامی شوروی وارد البانی شد. حزب کمونیست البانی ورود هیأت نمایندگی مذکور را به منزله کمک اتحاد شوروی به مبارزه رهائیبخش خلق البانی و به رسمیت شناختن حاکمیت وی ارزیابی کرد. این اقدام همچنین گواه آن دوستی و اتحاد انقلابی بود که خلق البانی و خلق شوروی را به هم پیوند می داد، دوستی و اتحادی که در مبارزه مشترک علیه فاشیسم آبدیده شده بود.

سراسر البانی به صورت آتشفشان در آمده بود. پادگان های المان، دار و دسته های ارتجاعی و راه های ارتباط دشمن هر روز در معرض حملات ویران ساز ارتش رهائیبخش ملی البانی قرار می گرفتند. دشمن که نمی توانست با تعرض عمومی به مقابله بر خیزد مناطق و شهر های اشغال شده را یکی پس از دیگری ترک می گفت. در ۲۴ اکتوبر هیتلری ها از سراسر جنوب البانی زوده شده بودند و در شمال **اشکومبینی** فقط شهر های **الباسان**، **تیرانا**، **دورس**، **کوکس** و **اشکودرا** را هنوز در دست داشتند.

بنا به تقاضای فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ملی یوگسلاوی دو گردان از ارتش رهائیبخش ملی البانی (گردان ۳ و ۵) از روز ۵ اکتوبر به منظور آن که در مناطق **کوسووا** علیه نازی ها عمل کند، از مرز گذشته بود.

علاوه بر رهائی قسمت اعظم سر زمین کشور و ایراد تلفات عظیم بر سپاهیان المان، یکی از مهمترین نتایج تعرض عمومی ارتش رهائیبخش ملی البانی عبارت بود از متلاشی کردن کامل ارتجاع داخلی. «بالی کمبتار» و دار و دسته های مسلح این سازمان ها، و واحد های ژاندارمری در زیر ضربات گردان ها و لشکر های ضربه از پای در آمدند. شورای سلطنتی و دولت **کیسلینگ** به کلی از کار افتادند.

تشبث مجدد افسران انگلیس که می خواستند یک دولت پوشالی البانی با شرکت رؤسای ارتجاع، به منزله واکنشی در برابر دولت موقت انقلابی، به وجود آورند باز هم موفقیتی نیافت.

بقایای نیرو های ارتجاعی که تحت حمایت ارتش های المان به دور رؤسای خود گرد آمده بودند همه امید شان در نجات خویش بدان بود که مگر سپاهیان انگلیس و امریکائی در البانی پیاده شوند و به آنها یاری برسانند.

ولی این آخرین امید خیانت پیشگان بر آورده نشد. فرماندهی کل ارتش رهائیبخش البانی، در اجرای دقیق رهنمود های کمیته مرکزی حزب، مطالبات مکرر فرماندهی انگلیس و امریکا را در مدیترانه که می خواست سپاهیان چتر باز و دسته های مخصوص به البانی بفرستد که بنابر ادعای او در کنار نیرو های رهائیبخش ملی علیه المان ها بجنگد، رد کرد. ارتش رهائیبخش ملی البانی قادر بود که تمام کشور را با نیروی خود و بدون کمک نیرو های مسلح خارجی آزاد گرداند. وقتی که کماندو های انگلیس پس از در هم شکسته شدن پادگان هیتلری به دست گردان های ارتش رهائیبخش ملی در **ساندرا** پیاده شدند فرماندهی کل ارتش رهائیبخش ملی البانی ستاد انگلستان را مجبور ساخت که سپاهیان خود را بیدرنگ از ساحل البانی فرا خواند.

بدین طریق خطر بزرگی که ممکن بود در اثر پیاده شدن سپاهیان انگلیس و امریکا در البانی متوجه پیروزی انقلاب توده ئی گردد، مرتفع شد. کمیته مرکزی حزب و دبیر کل آن انور خوجه، فرمانده کل ارتش رهائیبخش ملی البانی، در

برابر فشار های شدید و مداومی که از طرف متفقین انگلیس و امریکائی وارد می آمد پختگی، خردمندی و تهور انقلابی نشان دادند و در هیچ حالی نگذاشتند که آنها در امور داخلی خلق البانی مداخله کنند. این روش اصولی پیگیر و اعتلاء انقلابی مبارزه، بر کلیه تشبثات دولت های انگلیس و امریکا و هیأت های نظامی آنها در البانی که می خواستند رهبری جنبش رهائیبخش ملی البانی را در دست بگیرند، جبهه رهائیبخش ملی و حزب کمونیست را از میان بردارند و با پیاده کردن ارتش به اشغال کشور بپردازند، پشت پا زد.

ادامه دارد...